



لغو حکم
السلطان
محمد مصطفیٰ
۱۲۶۱
۱۹۴۵

حیدر علی خان
محمد مصطفیٰ
۱۲۶۱
۱۹۴۵

منظر جمہور
محمد مصطفیٰ
۱۲۶۱
۱۹۴۵

The
LUCKNOW ALMANAC

FOR THE YEAR

1845

Translated into Persian

Syed Kumaloodden Hyder.

at the

OBSERVATORY

OF

H M THE KING OF OUDE

Printed at

H M PRESS

عدد کل تحویل شدہ درجہ عقربہ و درج آبل					نمبر انگریزی	
تاریخ	ساعت	دقائق	نمبر انگریزی	تفصیل	ساعت	دقائق
۳۹-۱۱	۱	۱۳	جولائی	بکھینچ	۱۴	۳۱
۱۱	۵	۱۵	اگست	بکھینچ	۱۹	۵۱۰
۱۵	۵	۹	دسمبر	بکھینچ	۲۳	۵۳
۲۹	۱۳	۱۱	دسمبر	بکھینچ	۳۹	۲۹
۱۳	۱۳	۵	دسمبر	بکھینچ	۹۸	۵
۱۳	۱۵	۶	اکتوبر	بکھینچ	۱۵	۹
۳۸	۱۹	۲	اکتوبر	بکھینچ	۱۱	۲۵
۳	۵	۵	اکتوبر	بکھینچ	۵۹	۴۵
۱۳	۲	۳	اکتوبر	بکھینچ	۱۵	۲۱
۲۵	۴	۲۹	اکتوبر	بکھینچ	۲۲	۳۳
۱۸	۵	۲۸	اکتوبر	بکھینچ	۸	۱۹
۳۳	۵	۲۴	اکتوبر	بکھینچ	۱۵	۲۱
۲۲	۷	۲۹	اکتوبر	بکھینچ	۲۹	۱۵

حدود رویت ہلال

تہوار اکبریت	تاریخ	یوم	تہور عولی	یوم عہ	تہوار اکبریت	تاریخ	یوم	تہور عولی	یوم عہ
عہ نورانی چار شہد اکبر	۱	۱	محمد	۱۰ محرم	۱۰	۱	۱	۱۰ محرم	۱۰
نورانی شہد	۲	۲	۱۰	۱۱	۱۱	۲	۲	۱۱	۱۱
۱۰	۳	۳	۱۱	۱۲	۱۲	۳	۳	۱۲	۱۲
۱۱	۴	۴	۱۲	۱۳	۱۳	۴	۴	۱۳	۱۳
۱۲	۵	۵	۱۳	۱۴	۱۴	۵	۵	۱۴	۱۴
۱۳	۶	۶	۱۴	۱۵	۱۵	۶	۶	۱۵	۱۵
۱۴	۷	۷	۱۵	۱۶	۱۶	۷	۷	۱۶	۱۶
۱۵	۸	۸	۱۶	۱۷	۱۷	۸	۸	۱۷	۱۷
۱۶	۹	۹	۱۷	۱۸	۱۸	۹	۹	۱۸	۱۸
۱۷	۱۰	۱۰	۱۸	۱۹	۱۹	۱۰	۱۰	۱۹	۱۹
۱۸	۱۱	۱۱	۱۹	۲۰	۲۰	۱۱	۱۱	۲۰	۲۰
۱۹	۱۲	۱۲	۲۰	۲۱	۲۱	۱۲	۱۲	۲۱	۲۱
۲۰	۱۳	۱۳	۲۱	۲۲	۲۲	۱۳	۱۳	۲۲	۲۲
۲۱	۱۴	۱۴	۲۲	۲۳	۲۳	۱۴	۱۴	۲۳	۲۳
۲۲	۱۵	۱۵	۲۳	۲۴	۲۴	۱۵	۱۵	۲۴	۲۴
۲۳	۱۶	۱۶	۲۴	۲۵	۲۵	۱۶	۱۶	۲۵	۲۵
۲۴	۱۷	۱۷	۲۵	۲۶	۲۶	۱۷	۱۷	۲۶	۲۶
۲۵	۱۸	۱۸	۲۶	۲۷	۲۷	۱۸	۱۸	۲۷	۲۷
۲۶	۱۹	۱۹	۲۷	۲۸	۲۸	۱۹	۱۹	۲۸	۲۸
۲۷	۲۰	۲۰	۲۸	۲۹	۲۹	۲۰	۲۰	۲۹	۲۹
۲۸	۲۱	۲۱	۲۹	۳۰	۳۰	۲۱	۲۱	۳۰	۳۰
۲۹	۲۲	۲۲	۳۰	۳۱	۳۱	۲۲	۲۲	۳۱	۳۱
۳۰	۲۳	۲۳	۳۱	۱	۱	۲۳	۲۳	۱	۱
۳۱	۲۴	۲۴	۱	۲	۲	۲۴	۲۴	۲	۲
۳۲	۲۵	۲۵	۲	۳	۳	۲۵	۲۵	۳	۳
۳۳	۲۶	۲۶	۳	۴	۴	۲۶	۲۶	۴	۴
۳۴	۲۷	۲۷	۴	۵	۵	۲۷	۲۷	۵	۵
۳۵	۲۸	۲۸	۵	۶	۶	۲۸	۲۸	۶	۶
۳۶	۲۹	۲۹	۶	۷	۷	۲۹	۲۹	۷	۷
۳۷	۳۰	۳۰	۷	۸	۸	۳۰	۳۰	۸	۸
۳۸	۳۱	۳۱	۸	۹	۹	۳۱	۳۱	۹	۹
۳۹	۱	۱	۹	۱۰	۱۰	۱	۱	۱۰	۱۰
۴۰	۲	۲	۱۰	۱۱	۱۱	۲	۲	۱۱	۱۱
۴۱	۳	۳	۱۱	۱۲	۱۲	۳	۳	۱۲	۱۲
۴۲	۴	۴	۱۲	۱۳	۱۳	۴	۴	۱۳	۱۳
۴۳	۵	۵	۱۳	۱۴	۱۴	۵	۵	۱۴	۱۴
۴۴	۶	۶	۱۴	۱۵	۱۵	۶	۶	۱۵	۱۵
۴۵	۷	۷	۱۵	۱۶	۱۶	۷	۷	۱۶	۱۶
۴۶	۸	۸	۱۶	۱۷	۱۷	۸	۸	۱۷	۱۷
۴۷	۹	۹	۱۷	۱۸	۱۸	۹	۹	۱۸	۱۸
۴۸	۱۰	۱۰	۱۸	۱۹	۱۹	۱۰	۱۰	۱۹	۱۹
۴۹	۱۱	۱۱	۱۹	۲۰	۲۰	۱۱	۱۱	۲۰	۲۰
۵۰	۱۲	۱۲	۲۰	۲۱	۲۱	۱۲	۱۲	۲۱	۲۱
۵۱	۱۳	۱۳	۲۱	۲۲	۲۲	۱۳	۱۳	۲۲	۲۲
۵۲	۱۴	۱۴	۲۲	۲۳	۲۳	۱۴	۱۴	۲۳	۲۳
۵۳	۱۵	۱۵	۲۳	۲۴	۲۴	۱۵	۱۵	۲۴	۲۴
۵۴	۱۶	۱۶	۲۴	۲۵	۲۵	۱۶	۱۶	۲۵	۲۵
۵۵	۱۷	۱۷	۲۵	۲۶	۲۶	۱۷	۱۷	۲۶	۲۶
۵۶	۱۸	۱۸	۲۶	۲۷	۲۷	۱۸	۱۸	۲۷	۲۷
۵۷	۱۹	۱۹	۲۷	۲۸	۲۸	۱۹	۱۹	۲۸	۲۸
۵۸	۲۰	۲۰	۲۸	۲۹	۲۹	۲۰	۲۰	۲۹	۲۹
۵۹	۲۱	۲۱	۲۹	۳۰	۳۰	۲۱	۲۱	۳۰	۳۰
۶۰	۲۲	۲۲	۳۰	۳۱	۳۱	۲۲	۲۲	۳۱	۳۱

حوالہ نقل کتابیات و مراجع

[illegible]

جدول کوفت و سوت سی ۱۲۹۱ سوت مطابق ۱۲۹۵

کوفت سی تا پنجم طاهقی در دیها سوت و سوت نصف بعد دو جریه مرئی لکمو

انصاف و توری قریب کامل ۱۳ نو سوت بر سه

الینا ۱۳۱ لکمو در رجمه و سوت و سوت صحیح غیر مرئی

وقتیه ساعت

سوت توری کامل ۱۲۱ فی چهار سوت و سوت تمام مرئی ساعت وقتیه

۱۴

۱۵

انصال نیم طل

۱۴۴

۱

انصال نیم طل

۱۵

۱۶

طل حقیقی

۱۴۴

۲

طل حقیقی

۱۶

۱۷

وسط صورت

۵۵

۸

طل کامل

۱۷

۱۸

انصدای اکلا

۱۸

۹

وسط صورت

۱۸

۱۹

انصدای طل صادق

۱۲

۹

انصدای اکلا

۱۹

۲۰

۵۵

۱۰

انصدای طل صادق

۲۰

۲۱

۵۵

۱۰

انصدای طل صادق

۲۱

۲۲

۵۵

۱۰

انصدای طل صادق

علامت و آثار ممتحه برای موسم

در ماه جنوب منتهی باران می آید و در ماه مارچ و ایرتیل و می اگر ابرهای سیاه
و غلط از جانب جنوب عری می آید و اگر بعد روال بی آید و در ورق بهم نماند پس
زاله خواهد شد

اگر تا ریش ماه سابق وقت طلوع شود در اثر وز مطلع صاف خواهد ماند و اگر مارچ
وقت صبح مارچ و ایرتیل از دو بهر طرف شود سه بهر وقت خوب خواهد بود
و اگر باران بعد روال بهم نماند نسای روز غالب است که بارش
خواهد ماند

در موسم سه ما اگر مار میخ ناپسند باران نخواهد ماند و اگر ابرها مانند مار میخ نماند
باران ضرر خواهد ماند و اگر ماران قبل از طلوع آفتاب شود امید خوبی است
که بعد از روال مطلع صاف خواهد بود و اگر مار میخ و صبح از زمین لب ریخته
در اثر وز مطلع صاف خواهد بود

اگر ماه نزدیک کرده شود و قوس صبح و قوس صبح تا طلوع صبح که بهشت بود باران خواهد
ماند و اگر اما تیل و سرب و اگر کند باران خواهد آمد و اگر در تر و اگر کند
مطلع صاف خواهد بود

اگر بسیاری سر که وقت سوم بهر و صبح آبی مطلع صاف خواهد بود و اگر کمترین
بدر خلاف معمولی در شبیه بار و در دوم باران خواهد ماند و اگر کوههای
بعد صاف و وقت صبح نشود و در اثر وز مطلع صاف خواهد بود

اگر در موسم بهار و اگر ما وقت صبح نسبت روز گذشته حرارت زیاده بود و تمام
طوفان خواهد آمد

[illegible]

رویت صحیح و قوی کہ کما رہے تھے ان کی تسخیر میں ایک ماہ مقابلہ ساعت خود نہ کیا
دو طرف غروب و قیام کہ کما رہے تھے ان کی تسخیر میں ایک ماہ نہ کیا

حال سلط و ریاست اکثر بلاد هندوستان و عبره
 ششم بحری مطابق ششم بیسویس
 بهایب و سلطنت مملکت اوده

سلطنت
 مدت ماست و

اسما سلطان
 میر محمد امین

حاندان شهزاده های ملک اوده از مثل میر محمد امین از
 مردم میتا یور ملک حراسان ارا عالی و اکابر خاندان
 ایران در عهد سلط مهابدر شاه باو شاه نشاه جهان آباد
 رسیده که مات عالیہ ممتاز و کھاب نواب سعاد کمال
 رهاں الملک سرتوار کرده و در ششم بحری مطابق
 ششم بیسوی در عهد محمد شاه باو شاه صوبه دار مملکت
 گردیده چون نواب موهوب را میر رسیده که کاهه بهیست
 بعد انتقال نمودن شان که در ماه دیکمه ششم بحری
 بعد رسیدن مادر شاه جهان آباد اتفاق افتاد
 بطرف میرزا محمد مفیم محاطب منصور علیخان و بعد از
 که خواهرزاده و وادادستان بود در راست منتقل گشت

و در کار امیر و حکم و اینها است که در کارهای جاری

در ششم بیسوی مطابق ششم بحری مقام مادر که مات
 انتقال نمود و لاس اوتان را خدی در مکتاب پادشاه
 مص آما و سیر نمود و شاه جهان آباد در و در و
 مقام شاه مردان و من نمود و در عهد ریاست

اگر در موسم غمر مستطیل مطلع و در ترصاف باشد و یک خط سماه از قوس افق
باشد قبل از هر طرف سدان موسم صاف ماراں سد مدجوا مد ماربد
هرگاه مار جمع شود و بمختل در موسم صاف بر زمین کجبار بمد هوای مد مد استود
ماحتی و سیب های مد غلرض کرد و حرکت که این علامت است
هرگاه کادها جمع شوند و در حال سکون باشد این علامت طوفان سخت است

محمد بن علی

برادر نواب حب الدوله که از خند سال بعد سیاحت

اکرم ملا و کر دس زمانه معقم تهر مارس بود و چیریه

معالیه ار لکیمو پیر سید بر سبل واکه انگر برنی از راه کامو

رشد و ۶۰۰ مورخ ششمه عسوی مطابق سوم ماه رمضان

رسبت یوم ششمه ششمه بحری س جمل و سح سالی که

برسد و رار ششمه و در ششمه بحری س و سوم

ماه رجب س سده مطابق ششمه عسوی س شصت و

س سالکی و حده ماه اسفال بود و مکان حلف ار سد خو

نواب عارسی الدن محمد ر حان مباد و در مونس که و مدد

ر ریڈن لسن صاحب مباد و کر سمل لثم اسکاٹ حنا

مباد و کر سمل کالسن صاحب مباد و کر سمل جان سلی صاحب

فانت و اسپتس الدوله رای س حنه سال حیری کم

نواب عارسی الدن س جیل و د سالکی و س و ر و ر کور ششمه و رار

حد حان مباد و س سده و در ششمه عسوی مطابق ششمه بحری شصت و

شهر و کجه ر و سده خطاب و رار را که سده نوحه

واسا چد ماسا ه ملک و خطاب ساه رمن سهور

کر دیدد و ر ریڈن لسن صاحب مباد و ر مانت محمد الدوله

و در ششمه بحری مطابق ششمه عسوی ماه ریح الاول

و در سده س و معقم ر و دیوالی حدس سجاه و س

	<p>نواب مرحوم راجه بول رانی صاحب بود در ششم بهجری سن سب و شش سالگی مقام مص آباء رسید و در لو ب بستید و در ششم بهجری مطابق ششم عموی بخیل و ج سالگی انتقال نمودند و در کلاب ماری سر رسیدند بعد از استخوان های سال بر ساه جهان بود در سواد در مدت سی و هجری صاحب بهادر مایه راجه</p>	<p>نواب صالح الدوله</p>
<p>۴۱ سال</p>	<p>می جاور در ششم بهجری مطابق ششم عموی سن سب و شش رسید و در لو ب بستید و در ششم بهجری سن سب و یک و چند ماه انتقال نمود و در امام مازة خود واقع است لکهنو مدحون گردید و در ریڈنٹ حان ریڈنٹ صاحب مسیر الیوس صاحب بهادر شد صاحب بهادر است مختار الدوله و علیج حان سرور الدوله حسن صاحب حان</p>	<p>نواب صفت الدوله</p>
<p>۴۳ سال</p>	<p>بها در تفصل حسین حان پیر خواة نواب حرم حاکم ریاست گردید حرم حق عدم و راس او روه و ترطاح و شفق کسب معراج ماه و دو یوم سحر به صاحب صدر کلکته معروف گردید و چند در بارس مطلق العنان ماند بعد از آن ارست فعال مالا تم خود تعلیه کلکته مقید مانده بها بنجا انتقال نمود و در سن ریڈنٹ شد صاحب بهادر در زمان تفصل حسین حان</p>	<p>سرور علی</p>

وارث و مالک بخت سلطنت کردند بدین منصب و سلسله

خلوس فرمود و دود و نعت منصب و بخت ساسانی حکم ماه

ربیع الثانی سبب بدستبرد شد بحری بطریق

عیونی لغردوس رفتند مدثون امام مازنه حسین آباد

لو تفریح دگر و مدد در ریخت کرپیل خان صاحب بهادر

بایب روس الدوله منتظم الدوله بطیر الدوله و کرم

علامه کبکی خان عرف میاں کلن مورالدوله احمد علیا

شرف الدوله محمد ابراهیم خان

سال

بادشاه حلف ارشد حضرت فردوس مرل لوراب

آقای حور و رسد تبعه سده مذکور سن چهل و پنج سالگی

بر تخت سلطنت خلوس فرمود و بدانت سرور الدوله

ابن الدوله ادو حیس خان بهاد و مورالدوله

احمد علیا بجادر مارنواب ابن الدوله بهادر

ریخت کرپیل خان لو صاحب بهادر کرنل کالیف

صاحب جامن لو صاحب مر اسلمنی ولیم حزل

مات صاحب بهادر سر جارج مالک صاحب بهادر

کینان مکسیر صاحب بهادر قائم مقام کرنل رحمت

صاحب بهادر

مرزا ولیعهد بهادر واحد علیا حلف ارشد حضرت

اقدس و املی حلد انده ملکه و سلطنت

برماض جت تافتند و مقبره نو تعمیر خود مسی تسبیح
 بجای استوف بدون کرد و بدند از دستار و کفش
 ۱۴ اسال خنری کم

شاه حسین
 حاکم جلوس
 ساه زمان در سنده و روز مذکور بر تخت سلطنت نشسته
 سن بست و چ ساگی و لدسی و چ سال بح تاشد
 در یدست کر بل خان لوصاحب بها در در سیده کر ملای
 نو تعمیر خود بدون سند ماتب معتمد الدوله آغا میر
 اعما و الدوله میر معتمد علی معتمد الدوله حکیم مهد علیان
 روس الدوله محمد حسین خان عرف مرزا بهنو ۱۴ اسال و یوم

میرزا و دیون خون جلوس در حین حیات خود ابطال و لدین میرزا
 مهیدون بحت عرف ما حال نموده بوج ندایین عاب
 سلطنت ما و مشعل مکر ویداکرت ما عوامی مردم ما هم
 سمعیت ما و شاه سکیم بدار السلط رسده ساعی نجب
 سنست لکن موج انگلیس بعد قتل و قمع مردم برابست
 از بح مرد و دوازده مع بادشاه سکیم کر چهار کر و فطیحه
 جار کده و دستا و تا حال پیاں حامی باشد و
 و طبعه از سر کار بادشاهی بواسطت صاحبان اقبال
 میرزا

برای نصر الدوله
 یعنی محمد علی شاه بادشاه عمومی حقیقی ما و شاه مومو

مثل امیر و محمود و کار و میره که زمین قابلیت
 یدایت بر حیدار و بسطیکه بخوبی تردد و فعل آید و شود
 و ملک بهار و در خلافت پیوازه و سلون و غیره یدایت شود
 و ملک لاجور و جهم درین ضمیمه یافده می شود و آب هوا
 خوشکوند و از عمارات عمده و عالی که مشهور تمام
 ملا و سده و سمان است امام باڑه و آب آصف له و له
 و حرم و مسجد بزرگ که مابین ۸۳۰ و ۸۴۰ هجری
 مطابق ۹۴۰ و ۹۵۰ هجری تعمیر یافت که وسعت
 لول و الان ۸۶۰ فست و عوس ۵۲ فست می شود
 و از انجمله از عمارت های عالی که در زمان ثواب
 سعادت پلیمان و سادرس و غیره تعمیر یافت
 دیگر از عمارات عالی تعمیر حال که در تمام بنایستان
 کاهی مابین خوبی نبوده و در حاکمانه سلطانی که در زمان
 حضرت اقدس و اعلی خلد اسد ملکه و تمام پهنه
 و کمیل جبر آبی و میره که مابین فعل متو و دار بن سل
 عمارات تمام باڑه حسین آباد و غیره که در عهد
 و روس میل تعمیر یافت و در بدست السلطنت
 لکهنو ۲۴ و ۲۵ هجری شمسی و ۱۲۵۰ و ۱۲۵۱ هجری قمری
 و ۱۸۳۴ و ۱۸۳۵ هجری شمسی و ۱۲۵۰ و ۱۲۵۱ هجری قمری

سلسلہ مدت یا ست و سن	سن سب و سہ سالہ
۳۱ سال	
حدود ملک و	ما بین ۲۶ و ۲۸ درجہ عرض بلد سما لی و اری جانب
	شمال با ضلع کوئیک ملک پشمال محمد و و اری سب
	کوہبای کو حک و حکما علیحدہ حاسب جنوب
	آله آباد حاسب شرقی صورہ بہار و حاسب عرب
	اگر آباد و شاہ جهان آباد و طول ۲۵ میل عرض
	۲۰ میل مربع میل ۲۰ مردم سکے رہا دہار
	سی لک مسند اروی مساحت و موافق تحقیق
	ابو الفضل ملک اودہ در اقلیم و دم است طول
	اری سرکار کور کیور نا قوج ۱۳۵ اگر وہ عرض از
	کوہبای سما لی یا صورہ آله آباد ۱۱ اگر وہ حاسب شرق
	صورہ بہار پشمال کوہبای حاسب جنوب ملک یور
	جنوبی عرب قوج در مای مرر کہ کہا کہرہ و دہوا
	و کوہی پشی و میرہ و چار سرکار کور کیور بہر اری
	حیر آباد لکھنؤ ۱۳۵ کہ درین صورہ بود و آبدی
	ملک و ان وقت شاہ لک و حیل و سہ ہزار و
	چار صد و پنجاہ و چار روپیہ بود و زمین صورہ
	مدکور ہموار و سطح زرین و سہرہ و شاہ اب و
	پیدایت ہر اقسام عدل مثل کدہم کدہم جو برج مشک

	کپس سود و پیراگر رسیداران و زر رسائی فصول	۰
	اعمال و ج از سرکار کپس سود و سرکار کپس را بد حلت	
۴۸۸۸۴	در امور آب بکی اوتان مست	۰
۲۴۸۴۵	خبر آمواد	۴
	سروا	۵
	درجه سوم	
	عهد ماه اسکندرس سرکار و شمس مکد مکرو و دوشنب	
	بهر کار و دست یکد کار و اکثر خاکم رباستهای سدرج	
	خراج که از و غیره معنی که سرکار کپس را خاکم و دست	
	واحد و مطیع و در میان سروا که دیده و سروا ضرور	
	حک سرک سود لیکن مالک و مختار ملک خود	۱
	ماسد	
۴۲۲۴۵	اندور و ماسهای را حوت	۸
۱۱۸۸۴	اورای لور	۹
۱۳۲۲۲	حی لور	۱۰
۳۳۲۱۳۲	خود لور	۱۱
۴۳۳۸۹	کوٹہ	۱۲
۲۲۲۹۱	لودی	۱۳
۳۳۲۳۵	الور	۱۴
۱۸۲۹	سیکانیر	۱۵
۴۲۴۴۹	جبلر	۱۶

آمدنی حال	<p>ملک موصوفه ملک موصوفه ک کرد ک کرد ویکت ویکت ص ص</p>
درجه اول	<p>مخالک ملک او ده و ص براژ با ناگبور نژا و کور کو چین</p>
درجه دوم	<p>عید نامه ای که دشمن سرکار دشمن سرکار دوست مکه بکر و اگر دشمن یا بروی باشد هر صورت اعانه</p>

۱۴۶۲	یشا لایره	۳۲
۳۲۹۴۳	دوسی و کیمتی	در حیسیم
	کوالسهار	۳۳
	اختیار سرکار کمشی این است که حفاظت و مدح	در حیسیم
	حو دار طوط سرکار مایه	
۴۹۴۳	سهار	۳۴
۳۸۸۳	گولاور	۳۵
	حسین رانا و آوده تپه ملل توک	حسین رانا
	یسی مرتبه سهار گوالهار ماکور اید و ر ماید اگولایو	ر سهار
	دهار و دوس	
	اودی یور چی یور حو دیور نوئی کونا کچ المور	ایضا حیوت
	سکار حیلیر کن کذ و فسوار و ر تلک گن و و گیکور	
	کرو لی سیر و تی ریوان دیاجا سی شهر	
	مسره بهت بور بزا و کور سا و ت واری کو حیلیر	ایضا و کور قوم
	و مول نور	
	استانیت و ر ماسه های ویکوراحه جاکیز ادا مل	
	کونا ماکور سر کو حیلیر نور سنگ بهوم اودی	
	یور منی یور بن جور ویکور حایدان بهوم خیر و ر پور	
	مرج شکان مینایی اکل کوئی	
	ر ماسه های سا کر و ملک نرندا و سکرم و ریاقهای پستان	

۱۴	کاش کڈہ	۰ ۶ ۲ ۴
۱۸	مسوارہ	۱ ۴ ۴
۱۹	مرات کڈہ	۱ ۴ ۵ ۶
۲	ڈونگر پور	۲ ۰ ۵
۲۱	کروٹی	۱ ۴ ۸ ۸
۲۲	سردق	۲ ۴ ۲ ۴
۲۳	پرہہ پور	۲ ۴ ۹ ۴
۲۴	بہاول	۲ ۴ ۶ ۶ ۲
۲۵	کچ	۶ ۳ ۹ ۶
۲۶	دھارو دیوئس	۲ ۴ ۶ ۶
۲۷	بہول پور	۲ ۴ ۶ ۶
۲۸	ریوان	۱ ۴ ۳ ۱
۲۹	جھلسی	۱ ۴ ۸ ۶ ۳
۳۰	سکاؤنٹ واری	۹ ۳ ۵
درجہ چہارم		
رہاستہای مفوضہ موافق برائے معنی کہ رقبہ ضرورت		
کارسہ کار بر وند لیکن حاکم و مالک در ملک خود		
باسمہ		
۳۱	امیر جان ٹوک	۱ ۵ ۳
	سیراج	۲ ۶ ۱
	بہا پورا	۲ ۶ ۹
	مرج میل	۱ ۵ ۳ ۳

۱۸۰	مید و موج ساکن طیبه سلاطه شاه جهان و ار حبه ای لکننو	مید و موج مید و موج	۱۸۰
۱۸۱	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۱۸۱
۱۸۲	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۱۸۲
۱۸۳	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۱۸۳
۱۸۴	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۱۸۴
۱۸۵	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۱۸۵
۱۸۶	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۱۸۶
۱۸۷	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۱۸۷
۱۸۸	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۱۸۸
۱۸۹	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۱۸۹
۱۹۰	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۱۹۰
۱۹۱	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۱۹۱
۱۹۲	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۱۹۲
۱۹۳	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۱۹۳
۱۹۴	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۱۹۴
۱۹۵	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۱۹۵
۱۹۶	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۱۹۶
۱۹۷	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۱۹۷
۱۹۸	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۱۹۸
۱۹۹	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۱۹۹
۲۰۰	۴۰ و ۳۰	۴۰ و ۳۰	۲۰۰

تاریخ احکام	و تبقه و متاخره درجه اول و مرستات لکهنه مورچه و سبتمبر ۱۸۳۸ معنوی در ریڈ لکهنه و تبقه که از دو و صد روپیه سالانه ریڈ لکهنه حیدر علی خان محتاجان دایمی	ماہواری سالانہ
۲۴ می ۱۸۳۸	۶ حواری شدہ	۱۳۴۱ یامی
۱۸۳۶ ستمبر	بعد وضع وصول از اخٹ بریلی و بقعہ در لکهنه وادہ متوفو	۱۳۴۱ یامی
۱۸۳۶ اکتوبر	سجدر علیاں مو قجباب خان دایما حد علی و فحیاب خان لکهنه وادہ سبے شود	۱۳۴۱ یامی
۱۸۳۶ دسمبر	سمدہ سکم سده رستم علیاں	۱۳۴۱ یامی
۱۸۳۶ دسمبر	کصد و سجادہ روپیه ما دام حبسات از سپار س گز نل خان لو صاحب بھادر	۱۳۴۱ یامی
۱۸۳۶ دسمبر	سید قتال الدولہ لکھنؤ و طیفہ رائی خانہ مختار الدولہ و ریرا وادہ	۱۳۴۱ یامی

۱۲ دسمبر ۱۸۱۴	محمد رضا خان و میرزا داود صبر علیاں	۱۲ دسمبر ۱۸۱۴
۱۳ دسمبر ۱۸۱۴	حسن علی خان لواحقان صدر بک خان	۱۳ دسمبر ۱۸۱۴
۱۴ دسمبر ۱۸۱۴	سلطان حسین علی خان منوئی	۱۴ دسمبر ۱۸۱۴
۱۵ دسمبر ۱۸۱۴	بابا ست قرصہ سوم	۱۵ دسمبر ۱۸۱۴
۱۶ دسمبر ۱۸۱۴	مردانی کہ با نام ماژہ محف اسر	۱۶ دسمبر ۱۸۱۴
۱۷ دسمبر ۱۸۱۴	سلطان ادو و امی	۱۷ دسمبر ۱۸۱۴
۱۸ دسمبر ۱۸۱۴	نواب سارک محل صاحبہ	۱۸ دسمبر ۱۸۱۴
۱۹ دسمبر ۱۸۱۴	سلطان مریم سکیم	۱۹ دسمبر ۱۸۱۴
۲۰ دسمبر ۱۸۱۴	مسار محل	۲۰ دسمبر ۱۸۱۴
۲۱ دسمبر ۱۸۱۴	سروراز محل	۲۱ دسمبر ۱۸۱۴
۲۲ دسمبر ۱۸۱۴	ملا زملان و متعلقان مع اسامیہا	۲۲ دسمبر ۱۸۱۴
۲۳ دسمبر ۱۸۱۴	سرورایہ محل	۲۳ دسمبر ۱۸۱۴
۲۴ دسمبر ۱۸۱۴		۲۴ دسمبر ۱۸۱۴
۲۵ دسمبر ۱۸۱۴		۲۵ دسمبر ۱۸۱۴
۲۶ دسمبر ۱۸۱۴	مسلمانان نواب محمد الدولہ	۲۶ دسمبر ۱۸۱۴
۲۷ دسمبر ۱۸۱۴	نواب سکیم حاصل محل روحہ نواب	۲۷ دسمبر ۱۸۱۴
۲۸ دسمبر ۱۸۱۴	وریر سکیم و عالمہ سکیم و حتران نواب	۲۸ دسمبر ۱۸۱۴
۲۹ دسمبر ۱۸۱۴	امین الدولہ بہادر نیرش	۲۹ دسمبر ۱۸۱۴
۳۰ دسمبر ۱۸۱۴	قرصہ خیمہ	۳۰ دسمبر ۱۸۱۴
۳۱ دسمبر ۱۸۱۴	نواب ملکہ دانیہ	۳۱ دسمبر ۱۸۱۴

۲۴ اردیبهشت ۱۸۳۳	محمد حسن مدراسی	دعوت ۱۳ اردیبهشت	ساعت ۱۳
۶ مارچ ۱۸۳۴	میا حسن از سرلی	دعوت ۱۳ اردیبهشت	ساعت ۱۳
۸ شهریور ۱۸۳۸	مرزا محمد مسیح از خواجه اکبر آباد	دعوت ۱۳ اردیبهشت	ساعت ۱۳
۱۲ اکتوبر ۱۸۲۶	خاندان ملارام چودا از تعلیم ملک نونا	دعوت ۱۳ اردیبهشت	ساعت ۱۳
	• • • • •		
۳۱ شهریور ۱۸۳۰	مولوی جمال الدین از مدراس ناو ام حیات	دعوت ۱۳ اردیبهشت	ساعت ۱۳
	• • • • •		
	بی بی مانیره و غیره	دعوت ۱۳ اردیبهشت	ساعت ۱۳
	سوه سلیم اند و سوه مولوی محمد اسماعیل تنوئی	دعوت ۱۳ اردیبهشت	ساعت ۱۳
	• • • • •		
۲ فروری ۱۸۳۲	مفتی از مدراس	دعوت ۱۳ اردیبهشت	ساعت ۱۳
۱۱ اکتوبر ۱۸۳۳	مسماه واجیه از سرلی با دام حساب	دعوت ۱۳ اردیبهشت	ساعت ۱۳
	احمد رضا خان	دعوت ۱۳ اردیبهشت	ساعت ۱۳
	• • • • •		
	مرید اول متعلقان حسن السابکیم نواب	دعوت ۱۳ اردیبهشت	ساعت ۱۳
	• • • • •		
	پهوه صاحب دوجہ نواب آصف الدولہ	دعوت ۱۳ اردیبهشت	ساعت ۱۳
	• • • • •		
	مرحوم	دعوت ۱۳ اردیبهشت	ساعت ۱۳
	• • • • •		
	خاندان مرزا علیخان و نواب سالار حاکم	دعوت ۱۳ اردیبهشت	ساعت ۱۳
	• • • • •		
	مرزا قاسم علیخان تنوئی که و تنه اسن	دعوت ۱۳ اردیبهشت	ساعت ۱۳
	• • • • •		
	یسر حسن علیخان داوہ میتو	دعوت ۱۳ اردیبهشت	ساعت ۱۳
۲۱ جنوری ۱۸۱۸	اکبر علیخان تنوئی و تنه اسن باگرام النسا حکم	دعوت ۱۳ اردیبهشت	ساعت ۱۳
	• • • • •		
	و حترن داده می شود	دعوت ۱۳ اردیبهشت	ساعت ۱۳
	• • • • •		
۳۱ شهریور ۱۸۳۳			

مرزا حرم بخت بهادر و نواب امر بهو صحت	اعام	لعملا
مرزا عظیم النوب امر بهو	اعام	لعملا
مرزا محمد بهادر	سار	مسار
مرزا رفیع النوب امر بهو	سار	مسار
مرزا بخت بهادر	سار	مسار
نواب دریر بهو	سار	مسار
نواب سلطان عالمه سکیم	اعام	لعملا
نواب سلطان تراسکیم	اعام	لعملا
نواب سید الساکیم	سار	مسار
نواب کوه تراسکیم	سار	مسار
نواب سلطان سبکیم	سار	مسار
نواب حیر الساکیم	سار	مسار
نواب سید الساکیم	سار	مسار
نواب قاتی خامم	سار	مسار
نواب بهار	سار	مسار
حمید و خامم	سار	مسار
سیاری خامم	سار	مسار
وفاقی خامم	سار	مسار

سار امر بهو

مهمه ام

اسما مفصله اول

تفرقات سار

۱۸۳۱۲۳	محدوده علمه	سمک	سمک
۱۸۲۲	ماح محل	سمک	سمک
۱۸۲۹	سلطان علاءه دختر ملکه زمانیه	سمک	سمک
۱۸۳۲	فرضه ششم		
۱۸۳۲	رای حیرت نرماهی لکهنه وانی	سمک	سمک
۱۸۲۹	وتیفه بهو بکم صاحبه نص آبادی وانی	سمک	سمک
۱۸۲۴	برای بریم مفرد بکم صاحبه و مجلس	سمک	سمک
	محمدم و نمره		
	وسقه حضرت فردوس منزل محمد علی		
	سباه ما و نساه		
	صاحات محل		
	اسم	سمک	سمک
	نواب حضور حاکم	سمک	سمک
	نواب امیر حاکم	سمک	سمک
	نواب امیر او خانم	سمک	سمک
	نواب وزیر حاکم	سمک	سمک
	نواب بزرگ وری حاکم	سمک	سمک
	شماره کان محلات		

<p> ۱۲۹۱ ۱۲۹۰ ۱۲۸۹ ۱۲۸۸ ۱۲۸۷ ۱۲۸۶ ۱۲۸۵ ۱۲۸۴ ۱۲۸۳ ۱۲۸۲ ۱۲۸۱ ۱۲۸۰ ۱۲۷۹ ۱۲۷۸ ۱۲۷۷ ۱۲۷۶ ۱۲۷۵ ۱۲۷۴ ۱۲۷۳ ۱۲۷۲ ۱۲۷۱ ۱۲۷۰ ۱۲۶۹ ۱۲۶۸ ۱۲۶۷ ۱۲۶۶ ۱۲۶۵ ۱۲۶۴ ۱۲۶۳ ۱۲۶۲ ۱۲۶۱ ۱۲۶۰ ۱۲۵۹ ۱۲۵۸ ۱۲۵۷ ۱۲۵۶ ۱۲۵۵ ۱۲۵۴ ۱۲۵۳ ۱۲۵۲ ۱۲۵۱ ۱۲۵۰ ۱۲۴۹ ۱۲۴۸ ۱۲۴۷ ۱۲۴۶ ۱۲۴۵ ۱۲۴۴ ۱۲۴۳ ۱۲۴۲ ۱۲۴۱ ۱۲۴۰ ۱۲۳۹ ۱۲۳۸ ۱۲۳۷ ۱۲۳۶ ۱۲۳۵ ۱۲۳۴ ۱۲۳۳ ۱۲۳۲ ۱۲۳۱ ۱۲۳۰ ۱۲۲۹ ۱۲۲۸ ۱۲۲۷ ۱۲۲۶ ۱۲۲۵ ۱۲۲۴ ۱۲۲۳ ۱۲۲۲ ۱۲۲۱ ۱۲۲۰ ۱۲۱۹ ۱۲۱۸ ۱۲۱۷ ۱۲۱۶ ۱۲۱۵ ۱۲۱۴ ۱۲۱۳ ۱۲۱۲ ۱۲۱۱ ۱۲۱۰ ۱۲۰۹ ۱۲۰۸ ۱۲۰۷ ۱۲۰۶ ۱۲۰۵ ۱۲۰۴ ۱۲۰۳ ۱۲۰۲ ۱۲۰۱ ۱۲۰۰ ۱۱۹۹ ۱۱۹۸ ۱۱۹۷ ۱۱۹۶ ۱۱۹۵ ۱۱۹۴ ۱۱۹۳ ۱۱۹۲ ۱۱۹۱ ۱۱۹۰ ۱۱۸۹ ۱۱۸۸ ۱۱۸۷ ۱۱۸۶ ۱۱۸۵ ۱۱۸۴ ۱۱۸۳ ۱۱۸۲ ۱۱۸۱ ۱۱۸۰ ۱۱۷۹ ۱۱۷۸ ۱۱۷۷ ۱۱۷۶ ۱۱۷۵ ۱۱۷۴ ۱۱۷۳ ۱۱۷۲ ۱۱۷۱ ۱۱۷۰ ۱۱۶۹ ۱۱۶۸ ۱۱۶۷ ۱۱۶۶ ۱۱۶۵ ۱۱۶۴ ۱۱۶۳ ۱۱۶۲ ۱۱۶۱ ۱۱۶۰ ۱۱۵۹ ۱۱۵۸ ۱۱۵۷ ۱۱۵۶ ۱۱۵۵ ۱۱۵۴ ۱۱۵۳ ۱۱۵۲ ۱۱۵۱ ۱۱۵۰ ۱۱۴۹ ۱۱۴۸ ۱۱۴۷ ۱۱۴۶ ۱۱۴۵ ۱۱۴۴ ۱۱۴۳ ۱۱۴۲ ۱۱۴۱ ۱۱۴۰ ۱۱۳۹ ۱۱۳۸ ۱۱۳۷ ۱۱۳۶ ۱۱۳۵ ۱۱۳۴ ۱۱۳۳ ۱۱۳۲ ۱۱۳۱ ۱۱۳۰ ۱۱۲۹ ۱۱۲۸ ۱۱۲۷ ۱۱۲۶ ۱۱۲۵ ۱۱۲۴ ۱۱۲۳ ۱۱۲۲ ۱۱۲۱ ۱۱۲۰ ۱۱۱۹ ۱۱۱۸ ۱۱۱۷ ۱۱۱۶ ۱۱۱۵ ۱۱۱۴ ۱۱۱۳ ۱۱۱۲ ۱۱۱۱ ۱۱۱۰ ۱۱۰۹ ۱۱۰۸ ۱۱۰۷ ۱۱۰۶ ۱۱۰۵ ۱۱۰۴ ۱۱۰۳ ۱۱۰۲ ۱۱۰۱ ۱۱۰۰ ۱۰۹۹ ۱۰۹۸ ۱۰۹۷ ۱۰۹۶ ۱۰۹۵ ۱۰۹۴ ۱۰۹۳ ۱۰۹۲ ۱۰۹۱ ۱۰۹۰ ۱۰۸۹ ۱۰۸۸ ۱۰۸۷ ۱۰۸۶ ۱۰۸۵ ۱۰۸۴ ۱۰۸۳ ۱۰۸۲ ۱۰۸۱ ۱۰۸۰ ۱۰۷۹ ۱۰۷۸ ۱۰۷۷ ۱۰۷۶ ۱۰۷۵ ۱۰۷۴ ۱۰۷۳ ۱۰۷۲ ۱۰۷۱ ۱۰۷۰ ۱۰۶۹ ۱۰۶۸ ۱۰۶۷ ۱۰۶۶ ۱۰۶۵ ۱۰۶۴ ۱۰۶۳ ۱۰۶۲ ۱۰۶۱ ۱۰۶۰ ۱۰۵۹ ۱۰۵۸ ۱۰۵۷ ۱۰۵۶ ۱۰۵۵ ۱۰۵۴ ۱۰۵۳ ۱۰۵۲ ۱۰۵۱ ۱۰۵۰ ۱۰۴۹ ۱۰۴۸ ۱۰۴۷ ۱۰۴۶ ۱۰۴۵ ۱۰۴۴ ۱۰۴۳ ۱۰۴۲ ۱۰۴۱ ۱۰۴۰ ۱۰۳۹ ۱۰۳۸ ۱۰۳۷ ۱۰۳۶ ۱۰۳۵ ۱۰۳۴ ۱۰۳۳ ۱۰۳۲ ۱۰۳۱ ۱۰۳۰ ۱۰۲۹ ۱۰۲۸ ۱۰۲۷ ۱۰۲۶ ۱۰۲۵ ۱۰۲۴ ۱۰۲۳ ۱۰۲۲ ۱۰۲۱ ۱۰۲۰ ۱۰۱۹ ۱۰۱۸ ۱۰۱۷ ۱۰۱۶ ۱۰۱۵ ۱۰۱۴ ۱۰۱۳ ۱۰۱۲ ۱۰۱۱ ۱۰۱۰ ۱۰۰۹ ۱۰۰۸ ۱۰۰۷ ۱۰۰۶ ۱۰۰۵ ۱۰۰۴ ۱۰۰۳ ۱۰۰۲ ۱۰۰۱ ۱۰۰۰ ۹۹۹ ۹۹۸ ۹۹۷ ۹۹۶ ۹۹۵ ۹۹۴ ۹۹۳ ۹۹۲ ۹۹۱ ۹۹۰ ۹۸۹ ۹۸۸ ۹۸۷ ۹۸۶ ۹۸۵ ۹۸۴ ۹۸۳ ۹۸۲ ۹۸۱ ۹۸۰ ۹۷۹ ۹۷۸ ۹۷۷ ۹۷۶ ۹۷۵ ۹۷۴ </p>

کلیچہ	سید	سایہ
شرف الدولہ محمد ابراہیم خان	مالک	السید
عظیم الدخان	الکلیچہ	السید
دولت مام سعلتان خضر احمد سنہ	ارہ پانی	السید
جلد اندھکہ سلطنت		
دولت کواعد نوٹ		
عکس فیصد	السید	السید
نواب معصوم محل ملکہ کٹر		
نواب خسر و سکیم		
بر احمد حواد علی حریل صاحب جاہر	چار	سمبہ
نواب امین الدولہ ابداد حسن خان	چار	سمبہ
سماور		
سین الدولہ مسعود عباس علی خان	سار	سمبہ
سماور		
مہتمم مہیو	مالک	سمبہ
نواب ماجدار مہیو	مالک	سمبہ
مہیو سکیم	مار	السید
سید محمد پیر	مہ	سار
حسن عثمان	مہ	سار
نواب تاج آرا بکیم	السید	السید
نواب تاج آرا بکیم	مرم پانی	السید

نقشہ دوم کواعد
ملک

محلک موضوعه ماکموراده جو دستمهاده البرت دستمهاده ضروری است معنوی کجده کردید و تسایح ام نو سر بسده بد که دستمهاده ای طبع و ضروری معنوی کردید
 دستمهاده سر بسده ام و پیش ۹ نو سر بسده معنوی یک دستمهاده کردید و موافق قانون انحصار در صورت عدم سر بسده است طلست تحریر
 حاتره برای واس کلهر بس لایه یک کردید و بدیه برای چهارده البرت سر یک رویه سالانه تقریر است

مخرج سواد و بدل و نویخانه در محضر ختمه و همان لسی و رایج طه شکال و دستمهاده رایج، سستی مستسا لکان
 آمدنی و ادارا حکومت بکار می سال

اصت آگه نه اگر ده
 ۹۴۲۹۹۹۹
 ۵۱۱۰۴۴۱

اصت آدنی دستمهاده رایج
 ۵۱۵۲۹۲۷۹

ایضا دستمهاده سستی
 ۹۹۶۲۳۳۹۱

مخرج کل چیه بر
 ۲۱۳۱۸۲۱

کو ز سر اصل کلکته سر بسده ای بیرون داند

طالعہ خاندان سلطنت لندن

اسماء و نوج	سمیٹیں	سہ درج سلطنت	ماہ سال تاریخ	اسحق ال
سہادی لیس	۱۶۶۵	مارچ	۱۶۱۴	ماہ
خارج اول	۱۶۶۶	برہ گسٹ	۱۶۱۴	گسٹ
خارج دہم	۱۶۸۳	اکتوبر	۱۶۱۴	اکتوبر
خارج سوئم	۱۶۸۸	۲۵	۱۶۱۴	۲۵
خارج ہجادم	۱۶۹۴	۲۵	۱۶۱۴	۲۵
ولیم ہجادم	۱۶۹۵	۲۶	۱۶۱۴	۲۶
ہنگر و کثرت	۱۶۹۶	۲۶	۱۶۱۴	۲۶

مجموع آمدنی ۵۵۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ۴۱ دایم

والحال از سده عبوی مطابق سده هجری
تمام ملک سرزمینی در بای جن و مقامات که کرد
بهر بستند و بسیاری معام شمال شرقی
در تحت حکومت سرکار کینی است و مقامات
جنوب غربی سطلی و وسای موسطین سرکار
موصوف مثل ما جری راتل الور و راتل
مهر پور و دیگر یا مشبهای حکام که مالعل
حو و مختار یا اطاعت حکومت سرکار ملک
شمال غربی در بای جین و جنوب در بای
ستلج متعلق سرداران سکبه و دیگر امر
به حاکم عرب انسان که مالمع و عاتون
مدخلت و شمس سرکار آمد و ماسوئی ابن
نوح لطامب هم در له بیانه می باشد و
دوین صوره صلح بر بلی عدم ملک و مسل که
شامل است و دیگر شهرهای حاصل ریت
سرحد سهارین نور ریلی ابوب بهر مرث
حصار سرحد بیال مد اوق و صلح جال
کمون که قریب ۴۰ میل در طول و همچنین
در عرض که مالعل متعلق سرکار است

حاری نو و بعد از آن مالکل خجک کردید و
 و در محل یورته تاسه میل در طول بود و اکثر
 حامل های کوچک نصب بود لکن در ۱۸۱۰
 قیسوی مطابق ۱۲۵۰ شمسی بحری از سر کلر کفنی
 مار صاف و درست کرد و بد که تا جلن یک جسم
 حص حاری است و شهر و اطراف آن
 سر سبز و آباد میماند و آب تیسرین مایل شهر
 سرحد عرض بلد سماج ۲۸ ۲۸ طول ۲۸
 سری ۴۴ ۹ فاصله از شهر کلکته ۴۴ میل
 است راجه های ولی را مورخین اهل اسلام
 من اسدای شیه یسوی و شیه عصری
 مطابق ۱۲۵۱ شمسی صط کھر بر نموده اند که
 این شهر را سلطان محمود غزنوی گرفت و
 عارت نمود لکن بار راجه را یک چند و
 سیماق واکد است

محط الدین سلام محمود غزنوی از سبزوکت
 و از سبزوکت به واسطه اسفغان شروع کرد و
 و سلطنت انسان تا لشکر کسی تا ریه ریه پیور
 برقرار باید و این ماد ساه ماد ساه شمال
 سری هندوستان را تا مادعی سلطنت

و سکه آنجا حو صورت و ر و ر آ و ر و ما به و
 و اهل اسلام و سکه و عمره مخلوط و قدم دلی
 قریب ۲ میل در دور بود که الحالی از طرف
 اس من قدر ظاهر مسود و دلی حد مد ساجی
 که شاه جهان در ۱۶۳۱ عیدوی مطلبی شد
 بحری ساگر که حاکم کار عری در مای جن
 واقع است و بعضی میل در دور که محطس
 بهر پناه است و بعضی در واره عالیا
 از سبک دار و دما بین شهر جاهایی عالیا
 امرا و سلاطین است و جامع مسجد و مسجد
 نواب روس الدوله و درین زمانه جاهاد
 عمارتهاست که در حوت تعمیر یافته
 هر چند که عمارت های مارا رهای شهر سوای مارا
 بسیار تنگ است و دارالاماره بر حاکم
 کار عری واقع است و از بر سر حاکم
 دوازه شکم سرج دار و دوازه اس
 یکمیل است و در سلاطین جهانگیر نواب
 علیر دلی حاکم از در مای حسن معاصد
 صدیل حریب که مال بهری شهر مذکور
 آ و ر ده که مارا ن مد حاکم افغان ایران

در ششم عیسوی مطابق ششم هجری عمود			
انگ بود و دلی را عاتق کرد و ماه ۱۳ ^ه عیسوی			
مطابق ششم هجری سلطنت اوقیان ما عام			
رسید و در ششم عیسوی مطابق ششم هجری			
پیور لک در سده بنفاد و یکم اقبال بود			
دولت خان لودی	۱۳	۱۳	۸۰۱۴
حضر خان	۱۴	۱۴	۸۰۱۵
سارک شاه	۱۴	۲۱	۸۰۲۴
محمود و تاد نانی	۱۴	۲۳	۸۰۳۶
علاء الدین بانی	۱۴	۲۶	۸۰۵
ملولی لودی درس بر دو سلطنت سد و سیم	۱۴	۵	۸۰۵۴
بر ماسیمها تقسیم کرد و در آنکه حکام و کن			
کجرات و مالوه و جوهور و نکاله خود بار			
مام ما دساره ما مبد و صو کات میژ			
در مختلف امرا و حکام امن و که نظام			
نزد از راه سر کسی اطلبه ع ما دساره ولی			
میکرد			
سکندر لودی	۱۴	۸۸	۸۰۴۴
امیر ایم لودی و همین ما دساره در ۱۵۲۵	۱۵	۱۶	۹۰۲۲
عیسوی مطابق ششم هجری از سلطان مار			

جیکیر حاج ملا کو محل سدی میداو		
تاج الدین تست	۱۳ ۱	۶ ۵
آرام ساه	۱۲ ۱۰	
شمس الدین التماس	۱۲ ۱۰	
میرور شاه	۱۲ ۳۵	۶ ۳۳
ملک دوران سلطان رشید	۱۲ ۳۵	
سیرام شاه	۱۲ ۳۹	۶ ۳۷
علاء الدین محمود ساه	۱۲ ۴۲	۶ ۴
ناصر الدین	۱۲ ۴۴	۶ ۶۴
عباس الدین ملس	۱۲ ۴۵	۶ ۶۴
کیفتاد	۱۲ ۸۴	۶ ۸۵
میرور شاه علمی	۱۲ ۸۹	۶ ۸۸
مسکدر تانی	۱۲ ۹۵	۶ ۹۵
سہاب الدین عمر	۱۲ ۹۷	۷ ۱۴
سارک شاه	۱۳ ۱۷	۷ ۱۷
تعلق ساه	۱۳ ۲۱	۷ ۲۱
سلطان محمود	۱۳ ۲۴	۷ ۲۵
فروز ساه تانی	۱۳ ۵۱	۷ ۵۲
ابوبکر ساه	۱۳ ۸۹	۷ ۹۲
ناصر الدین محمود و نساہ و دریں زمان تیمور	۱۳ ۹۳	۷ ۹۶

چشمه ماه	اعظم شاه تهمید		
۴	ابوالمظفر قطب الدین بهادر شاه	۱۴	۶
	۲۳ قمروری		
	میرالدین جهانبور شاه احتجوری تسلط	۱۴	۳۱
خنده ماه	خارج کرده که رسد		
۴	محمد فتح سر بهید احتجوری مقبول	۱۴	۱۹
	کرده		
۳۶	رفع الدرجات بمن الدین ابوالبرک	۱۴	۱۹
	احتجوری طغیله بود		
۳ ماه	رفع الدین شاه جهان ثانی ۲۶ ابریل	۱۴	۱۹
	طغیله بود		
۳	ابوالفتح ناصر الدین محمد شاه ۱۳ اکویر	۱۴	۲
	دو ششم عدوی مرشد با القدر یورق		
	وزیرتی کرده که بهر شاه ولی راسور احمد بود		
	و مادر شاه نهم ماه خارج ششم عدوی		
	مظفری ششم بهری داخل شهر دلی گردید		
	و چهارم ایرتیل بعد فعل و عارف اموال		
	کمر بولایب حو در کس		
۶	ابوالنصر احمد شاه ۲۵ ایرتیل	۱۴	۴۹
	خارج از سلطنت و کور کرده	۱۴	۵۳

	شکست خورد و مار در جهان سال دلی را		
	تصرف خود در آورده و سالی سلطنت بطیبه		
	کردید		
۳۶	طیبه الدین محمد بابیهیم چون بر تخت	۴۵۲۵	۴۲۲
	سلطنت		
	طیبه الدین محمد جهانپوش ۲۸ جنوری	۱۵۳	
۲۵	ارشد شاه شکست خورد	۱۵۳۱	۴۳۹
۴۹	ابوالفتح هلال الدین محمد اکبر ۱۷ فروردین	۱۵۵۹	۹۹۴
	در امر کویت منول کردید و در هند کویت بنیاد	۱۵۴۲	۹۴۹
	و در اکبر آباد		
	انتقال نمود و سال ماد سالیانه بخلیفه و	۱۴۵	۱۰۱۴
	امتناعان ماد شاه موصوف از پیمه بر رکت		
	بود و برین ابوالفضل که در سده چهل و شصت		
	ساکلی از دست راه رانی به قتل رسید		
۲۳	ابوالمظفر نورالدین محمد جهانگیر ۱۷ اکتوبر	۱۴۵	۱۱۴
۳۱	شهاب الدین محمد شاه جهان ۱۷ فروردین	۱۴۳۸	۱۰۳۶
۵۵	ابوالمظفر محی الدین محمد اورنگ زیب عالمگیر	۱۴۵۸	۱۰۹۸
	۲۴ فروردین		
	۲۴ فروردین انتقال نمود	۱۴۶	۱۱۱۹
	شاه عالم میر برکش از هر پلاک کردید	۱۴۱۲	۱۱۲۴

	اسحاق بن محمد شاه موصوف	۱۸ ۶	۱۳ ۲۱ ۰
۳۳	ابوالناصر محمد الدین محمد کشته کمرانی	۱۸ ۶	۱۳ ۲۱
	۳ و شیر	۰ ۰	۰
۳۳ ۴	ابوالمظفر بهادر شاه مانی بر تخت سلطنت	۱۸ ۶	۱۳ ۵۴
<h2 style="text-align: center;">بادشاهی کابل</h2>			
<p> ماس بهد و سمان و ایران ملک غنیمتی به وار و دو ملک سیار و بیع است بقرضا بطول از سر و تا غروب در اصل و عرص از شمال تا جنوب تقریباً ۸ میل دارد که مربع میل ۴۴۴ می شود و یکدیگر که در و جهل لک و م بنیاد حاکم حاکم و سمندر محمد و دو بهد و سمان حاکم سر و ایران حاکم عرب و ملک نامار عمر محکوم طرف شمال و اضلاع آن بلخ و کابل و هند بار و سیستان و یار و از اراکان و بلوچستان </p>			

عرب الدین عالمگیر سال ۲۹۹۰	۱۴۵۹	۱۱ ۷۳
بصل رسید و در همان سال احمد ماه اولی	۱۴۵۹	
داخل دلی کرد و در		
ماه جهان از سلطنت خارج گردید	۱۴۵۹	۱۱ ۷۳
جلال الدین مرزا عبد الله علی کوهر		
ماه عالم نامی		
ار شهر آله اما از محاطت سرکار کمپنی شهر	۱۴۷۱	۱۱ ۸۵
دلی داخل کرد دیدید		
از دست علام قادر و بسطه کورگر و بدید	۱۴۸۸	۱۲ ۳
و اس شخص بسیاری از خاندان نمودند		
در عمارت و سعادت و فضل و جانیید و		
بعد چند ماه از دست اقامت جهانجی سید		
به بدترین سختی با بعد شهر شهر و دیگر صحت		
فضل رسید		
لحانت سید کور صرف بر شهر ماند که	۱۴۷۷	۱۱ ۸۴
در این زمان درین ملک صاحب است		
بفاصله شش سال از شهر روح دولت او		
سینه بهدراستگت داد و در و دو م داخل		
شهر کرد و در این زمان تا حال صورت مذکور با		
سرکار کمپنی است اگر چه تمام سلطنت فاعلم		

سر علی بن القاسم از اکثر اقسام میوه و مار و
 کژدم سبزه و ار و و در ماهیها میب
 لاکسی چند تا اقسام ماهی و بعضی کوههای
 سبزه و درین ولایت ۲۰ قصبه و بعضی
 ملکه ازین شهر رماوه و و شب رکیه ها
 ملو حسان ۳۰ میل در طول و عرض ۲۰ میل
 دار و دیوار در ماهیهای انجا و ماهی کبک سبزه
 در کبک رماهای کامل مختلف الاقوال
 بعضی ماهیها و حور و اقول میگوید و بعضی
 فقط سام رماهای ماد ساه حور و سید و سب
 ایما اقصا و ملوچ و نامار و ایرانی و تاجیک
 سند و بعضی دیگر اقسام است و بهفت
 اصلاح دار و که رای هر یک حاکمی علی و دار
 و آن فی ملک که از حاصلات تر و در پیش
 است لک روید است حاکم و و ت نیست
 و و سب محمد خاں

و ماره بکراں و سطح رین اس اصلع
 مختلف الاصلع اکثر کوهها و دسب با حائل
 کهنائی های سرسبز است و این کهنائی ها
 که آب کجوبی میرسد زمین و ملت سداست
 بر جردار و آب و هوا بر سما بر مختلف
 بودن سطح مختلف رین بعض جا اکثر سرد
 و بعض جا بهاب گرم و میوه ها و نقول
 ولاتی و چند سنائی بر و درین ولای
 حاشیکه رود و حوب میوه و بیدامیه و ریح و
 کدوم حایین مدای مردم و جو مخصوص رگ
 افسان و درخت رنڈی و میوه و درخت
 بر اقسام دار و طلا و نقره و باقوت و رسول
 و لاجور و سیکوید که در افسانستان پیدا
 می شود و درین قبل سرب و آهن و سنگ
 و کوه که دو کوه ملک و توره و پیت کدی و
 سیمکین پیدا می شود و دیگر حیوانات سسل
 بر کاه و در حاص دولت سکه اسباب و
 ازین ولایت گره که سار بنم طولانی دارد
 می آید و حیوانات پرده مثل شروکر که
 و سیاه کوش و سگ و غیره و جانوران

	برک سلطنت کرده بود		
۲	محمود از قوم افغان صاحب سلطنت ایران	۱۷۲۵	۱۱ ۳۷
	کریم		
۵	اسیرت از قوم افغان از مادر پیدا	۱۷۳۰	۱۱ ۴۲
	سکندر حرد		
۳	ساده پهلماست را لطافت تعویض سلطنت کرده	۱۷۳۲	۱۱ ۴۵
	دور شده است		
۱۲	علی بن قاسم بن پهلماست	۱۷۳۶	۱۱ ۴۸
۱	مادرش به نام مادر سلطان ادعای ماداست	۱۷۴۷	۱۱ ۶
	مرد		
۲	عادل ساه را در داده و قابل مادرش	۱۷۴۷	۱۱ ۶۱
	ابراهیم برادرش	۱۷۴۸	۱۱ ۶۳
	شاه رخ برادر اکبرش و طرف به اسان	۱۷۴۹	۱۱ ۶۳
جده ماه	مرد		
جده ماه	سلیمان مادر اسد محمد	۱۷۵۰	۱۱ ۶۳
۱	امیرعلی بن سید مصطفی حوال طفل بود	۱۷۵۰	۱۱ ۶۳
	نیلوفران فرمان فرمای او بود		
۲	محمد کریم خان ریدی صاحب چهار کرده	۱۷۵۹	۱۱ ۶۳
	اگر چه خطاب موکل پتیره واس		
جده ماه	رکی خان بعد وفاتش عصب سلطنت نمود	۱۷۷۹	۱۱ ۶۳

سلطنت ایران صفویه

سده هجری	اولاد صفی الدین که حسین صفی بن صفی یاصف	در سلطنت سلطان
	کتف بودار آواریان کتف جهان ساه	تجرب
	حاکم ترکمان مدرسته در تبریزان خود را وار	
	واو ویر لیرا و	
۴۰	احمد الصفوی س سنج حیدر اصلاح مصطفی	۲۴
	راما هم کرد و در مشقه هجری مطانی	
	ما و ساهی ایران و حسن اسان را گرفت	
۱۰	شاه طهماسب بن محمد	۱۵۲۵
۲	شاه اسماعیل ثانی بن طهماسب	۱۵۷۵
۴	محمد خدایه بن طهماسب	۱۵۷۷
جده ماه	محمد بن محمد یا امیر حمزه	۱۵۸۵
حده ماه	شاه اسماعیل بن محمد	۱۵۸۵
۴۵	شاه عباس بن محمد	۱۵۸۵
۱۳۰	شاه صفی بن صفی مراد بن عباس	۱۶۲۹
۲۵	شاه عباس ثانی بن شاه صفی	۱۶۲۲
۲۹	سلیمان بن شاه عباس	۱۶۴۴
۲۹	شاه حسین بن سلیمان بن قلیه اولاد صفی	۱۶۹۴
۲	شاه طهماسب ثانی بن شاه حسین که خود	۱۷۲۲

شمالی و مابین ۴۶ و ۶۲ درجه طول بلد

شرقی در طول ارسبق

ماعت لفرینا ۹ میل و ۸ درعص و

مربع کسب و دره و کسکه مردم آملین

فی دوه کک میود

و حاش شمال اصطلاع مختلف روسیه

و علم و ملک عمر حکومت تاتار حاش

مشرق کامل و ملوچ های حاش جنوب

کهر بند و دریای عمان و حاش عرب

ملک برکناں و عرب

ملک خاص بهر مای خاص

آذربایجان سریر

کسلاں رشت

مارند راں سرکیری

ایسر آباد استر آباد

حراساں سبد

عوان اصعبان بلدان

کوبستان تپوستر

فارس شیراز

کرمان کرمان

	و کشته شد		
	ابوالفتح خان یسر کریم خان و کور کرد	۱۷۷۹	۱۱ ۹ ۳
۶	صدا و خان برادر کریم خان	۱۷۷۹	۱۱ ۹ ۳
	علی مراد خان خطاب و کفیل را بر حو		
	مردار واد		
۴	جعفر خان یسر صدا و خان قفل رسید	۱۷۸۵	۱۱ ۹ ۹
۶	لطف علی میرش کنت حور واد	۱۷۸۹	۱۲ ۳
۲ سال	آغا محمد علی فاخار واد	۱۷۹۴	۱۲ ۴
۴ سال	فتح علی شاه و در ۱۸۳۳ هجری	۱۷۹۷	۱۲ ۱۱
۱	پس است پیش ساکنی حلوس مطاس		
	۱۳۵۱ هجری ۱۹ رح رور حیدر		
	سید محمد معتمد اصعبان بعد از این مدون		
	معصومه هم کرد مدد عباس مرزا و محمد علی مرزا		
	رور وی شاه و طاب کرد و بود		
	ارین ماعت		
	محمد شاه اکبر اول و عباس مرزا پس لب		
	چهار ساکنی حلوس سلطنت نمود و پیر خید کرد		
	علی شاه ظل سلطان عموی شاه حسن شاه		
	در طهران تحت نقیب هم کرد دیده بود حد و		
	ایران مابین ۲۶ و ۳۹ در حد عرض بلد		

خاص شهر سپاه است که وراں دارالامارت
واقع است و هرگاه ساه دارالامارت به پیما
هشتاد و هجده مردم و آن میانه لیکن در
که کماحقق سلطانیه شاه میرد و مردم بسیار
همراه رکاب شاه میرد در اوقاف سکه
شهرت تیرار و دلک مردم میماند عرض بلد
سمالی طهران و سه نیم طول مدستریه
۹ ۲۰

مردم آذربایجان حسن مزاج و صاحب خلق
و محروم المزاج و بهمان نوار و پیرماتش و
چو انزو و صاحب هم داد و بیک و صاحب
بشرق اکثر طلبا و مردم کامل می باشد
لیکن حسن آمد طلب و طاهر دار و ماسی
حکومت اعتبار مادی است و در حال ایران
امارت سرس و در ایران مردم قایل را بسا
دوست ندارد و مردم ایران اکثر اسات
سکارت را طرف ترکستان و هندوستان
ار راه سمندری آید مثل فالس و سراسر
ورشم و عده و تر و اید و او و و و و و و
و صعب انکا فالس و دشمن و کجاست و

آب و هوای ایران و ریس بسیار سرد
 و سادات و مقامات حرمی بسیار گرم
 و تنالی بسیار سرد و لیکن مجموع ملک حاجتی
 دارد و صحراها و قبیله کوچی آب و آلوده می
 بهایت سرد سرتو و ریح و کندی و جو و چمن
 و نیل و نساکو و ایمن و باقوت و دیگر
 نباتات و غیره و عام افهام میو جات
 دره های اسکا پیدا میو و حیوانات بسیار
 اند مثل اسب و سگ که شکار عمدت و جو
 میو و حر یا و سر یا بسیار معمول است
 حشرات الارض و در رس مرطه به کثرت
 و فقره و سرب و عاج و سن و سنگ مرمر
 از سار مقامات پیدا میو و میگو سد که فیروز
 مخصوص در ایران میو و این ملک سبب
 لغت سار مشهور است و او و قسم میو و
 سیاه و سفید و در مای عمان نیز وارد جو
 مایه میو و و خاص دار الامارت شهر ملکان
 است که محیط شهر بیا و قریب به میل از دور
 دارد و شمس در و از و بر کرک و جابه های بجه
 و از و هر ار در تعداد است و عمارت

ولوبان و سفل الطیب و دیگر چیزها از اقسام
 عمده پیدا میشود و کدام و حار و جو و دیگر اقسام
 غله و دیگر و لب کوبیده و اگر مسو حاش
 و لایه های مختلف و حار و سرد و گرم و سرد
 و استرواق و آب حار و سرد و که بکار آنها می آید
 و در حمام عالم بهتر از آب است و دریا
 بر رک و رات و دحل و دیگر بهرهای حاصل
 که در سه حده می باشد که معطره و سه و
 که در پاست که در آن باغ و در حب و بین
 سرسبز و آب تیرین از فاعله است
 سل می آید لکن بهرهای اندر و فی السار
 خوشما و بحسب و در میان بهرهای شری
 مار و بهای عرین و حار و آرنیک و خوشما
 معلوم می شود و در واره های بر رک و بکین
 و سکه لغزشگاه ۲۰ م ۳ و لغزشگاه ۲۰
 ایل حس و غلام عرصن بلد سالی که معطره
 ۱۸ ۸ طول مد سرقی ۱۸ ۸ عرب
 متوسط العاصف و کندم کون و دماغ و ار
 و اگر می آید و در حبه یا چادرهای ماسد
 و خوشناس شیکر و در و سر و حاش او تیان

سد و سال و آلات حرب و سیر است

عربستان

عربستان من ۱۲ و ۳۴ و در حد عرض بلد سما
و ۴۰ و ۵۰ در حد طول بلد سمرقانی است طول
تقریباً آن در اصل از شمال تا جنوب
۲۰ و در اصل در عرض جانب شمال ملک
ترکمان است و در بای اتمان و غیره حد
سمرقانی است و ماتی کنار سمرقانی و کنار
حجری محدود و در حدود است
و گنگل عربستان تا بحر احمر که بحر کبیری نامند
حد عربی است و ملک لغسم حال حجاز من
حصرت محال پس اما حد جزو نجی است
ملک اندرونی و تحت در من یکسان
است که در ای بعض مساوات سر
کو بهای در ارتقا سوسط اکثر جا و در کو
آب و هوا اما اعدال نکس در صحرا و است
که مانند و ملکها که جانب کنار سمندر
اند و این هر جزو نیست و و هو و صحیح عربی

		<p>مطابق ۱۶ شمس بحری دارالامارت سکالہ کر و وقتیکہ نواب حصر علیاں شہرہا کہ راگد است در اینجا بود و اس اعتبار نمود و دولت صرف مالی کافی این دارالامارت از شکم مرسمی متولد کردید و در حالت محلی حرمه قسد و در ایران مایکی از اهل اسلام تعلم و در سیت در زمان اورنگ رب عالمگیر تصویر واری بشکال مامور شد و بعد با تمامه بد کورس اعانت حکم سینه مہاجن عہدہ صوبہ دار خود را حریہ و علاوہ این دو صوبہ داران را کہ از بہر سادہ جہاں آباد و ارجہ در ماہ شاہ پیرامی مقابلہ و تخریش آمدہ لاؤد سکست واد آخر در ۲۵ صوبی مطابق ۳۵ شمس بحری انتقال نمود و حوسن او ۱۷۳۹ صوبی مطابق ۵۳ شمس بحری انتقال نمود و بعد از ان پیرس علاؤ الدولہ سردار خان برمنہ جہاںست نسبت لیکن تعدیاست کمال و دو ماہ از حکومت خارج کرد و کتبتہ است از</p>
	۱	
	۲	
	۳	

موقوف بر کله زوین و رعایا تکلیف
کاروان است و حاکم و دهبسوار و مردم
کبی و مهان نوار و تحریک بر مردم حاکم
قوم خودی مانند و قتل پذیر خایه خود میاید
و مردم در اعدا و افوا هم شمع اند که سرگ آهها
شیخ و شیر لیب و خلیفه و امیر و امام گفته و
سابق از س ایل عرب سمار قابل و علم
می بودند اکنون حاکم طریق تعلیم و تلقین
را فراموش نموده اند که اکثر آنها سواد نون
و خواندن ندارند

حال بایست بشناید

مرشداناد که سابق مقصود آنا و گفته می شد
تبر بر رک صلیع صوبه نکاله است و حص مله
تعالی ۱۱ ۲۰ طول مله سرفی ۱۰ ۸
حاجب شمال با جلالع مالد و سهاکل مور
محد و دو حاجب جنوب کنن کذه و بر دو
و حاجب سرفی راجح ساپی و حاجب عرب
رست بر قوم و مردوان در شد عیوب

مر فاسم علمان عالجا تسلط کرده و مسکونه
که این شخص بسیار صاحب لیاقت و جلاله کاری
ر یا ست بود و لیکن قوم انگلیسی است امر او را
کرد و فرما.

سیر محمد معمر خان را تسلط کرده و امید و میر فاسم
ما قوم انگلیسیه قاطن و آزار و دست میخورد
صاحب شکست خورد و آزار میخورد که شکست
تحتاج الدوله در راه و دپناه گرفت و حضرت خان
بعد ریاست کی سال در ^{۹۴} شمس العیسوی مطابق
شمس هجری اتغال بود و میرش

بحم الدوله در ریاست است و بیست سالگی
و است ماسبق و قدر سلطان و اقدار است
کم که دید آخرت عارضه حیک و ^{۹۵} شمس العیسوی
مطابق شمس هجری اعمال بود و در او است

سید الدوله است و او در ^{۹۶} شمس العیسوی
مطابق شمس هجری اعمال بود که در آن سال
قحط و وادی عظیم عالمگیر بوده بعد از آن بر او
مسار که الدوله است و در ^{۹۷} شمس العیسوی مطابق

شمس هجری اتغال بود و میرش
نظام الملک تاریخ ۲۸ ماه ابریل در ^{۹۸} شمس العیسوی

الدوروی خاں

حاج مذکور که یکی از افسران اعیان و رفیق
سیما بکری کتبه ماحضای نو و جایز و محض
مورد و بعد ریاست و سیاست حجت و
شده عیدی مطابق شله سحری انتقال
مورد و بعد اران لرش

علام حسن خاں سراج الدوله که سمار
طالم و ماوتن بود دست و بعد انقضای
او ماه اردیبهشت خود در کلکته حمله آور کرد و
مکرت و یکصد و چهل و شش نفر قوم کلکته
از کور و انات و در حیره تاریک که در سبب
مریخ امیت بود قید کرد و آن سال و بک
ر مقام ملاسی از کرنیل کلکته سکت خور و در
نراز دست میرن یسراسمن خود کشید

بعد اراں

سر محمد جعفر خاں که در فوج سیکان سمار
نام آور بود و در ایدم لبا صفت و ظلم و
جور خود در شله عسوی مطابق شله
بحری از ربا سبب خارج کرد و بد
و اما دس

قدم دارالامارت بکال بود و آو و ده لوند
 و دارالامارت پیر که در زمان جمالیان جاه
 و اسبها که نبل مکتوب صاحب انجیر با تمام عسید
 و قریب است لک رویه صرف کرد و بسیار
 تخمه و حوت و ست آن شهر بهر دو جانب
 دریای بهاکیرتی تا دریای فاسم بازار بهشت
 میل است که از کلکه حاصله ۲۸۰ میل دارد و کاهی
 در ساحل بود و بسکن در ۳۲۰ عسوی است
 پورش مرتبه بنای شهر پناه کرده بود و تاس
 تمام تجارت ترک است و درها همیشه گشتیها
 میلو میباشند و سب نظام است و نمک کم رستم
 و تانده و غیره برای تجارت پیدا می شود و
 و در حوارین صومعه بسیار سرسبز و آباد و
 مدوح و سواهی ریاست حکام مد که را حال
 چند اصطلاح موگنیر و بهاکل پور و پوریه و دینا
 و ترک پور و راج شاهی و رب هوم و حال
 مرشد اما که بهشت مقام شود و

	<p>مطابق سند هجری انتقال نمود سرکلاں او سید ریس الدین علیاں پس سینه و سایه برسد تبت و تاج شمس است شمس بدی مطابق سند هجری انتقال نمود لب اران بر اورش</p>	۱۳
	<p>سید احمد علیاں والا حاه شمس بعد از ان سرش جایوں چ که در سند اعسوی مطابق سند هجری اعمال نمود بعد از ان سرش</p>	۱۴
	<p>مستطلم الملک محسن الدوله و مدون جاده مطهر هر چه در نصرت حک که مال فعل حاکم رماست اند و پس چهار ده سالگی</p>	۱۵
	<p>سالار خاندان نظامت که ساقی است و جها لک روید بود لکن بعد وضع تارده لک روید که مایت موج و غیره در سند اعسوی کر دیده بود و در ان جمله لک بر بانی خاندان</p>	۱۶
	<p>نظامت و ماتی بیعت معطرا می ذوات ناظم مهر راست و در عهد ریاست الدوله و بنای دارالامان به مار پیچید که دید که ماسو به سک موسی آراسته شده که از مقام عمور که</p>	

ماحرک صلاب جنگ نظام علی صولات جنگ
معل علیان خاچه ماحرک وقت انتقال در
حو و در بر این پور نو در پیداست

مقتول کردید

۱۶

مظهر حکم بر سر نظام الملک ریاست شست
او هم تسل رسید

۱۶

صلابت حکم سب اعوانی اهل ولس او عا
ریاست نمود و تانته مهلق سده بحر حاکم
ماد هرگاه که او هم بقیه شد و در تانته مطلق سده
بحری نظام علیان برادرش اوراکشت وجود
ریاست را گرفت و تانته شتم اکمٹ حاکم ماد
بر کاکم انتقال نمود و سر بر کن مرا اسکند حیا
رسد ریاست شست

بعد انتقال نظام الملک حدود واس صوبه اکثر
ماده و در تانته آورده و اگر احاطت از سر کار
بکسی می شد از دست مرئوسه ریاده و تر حراب
در مادیت لکن ساینج و آرد و هم اکثر سده
مطابق سده بحر سار و موافقی هم کار کبسی
کردید و یا بصورت که و تانته و دست کبسی
بیک موارد میران با شتم و هر صورت اعان

ریاست کنج پد آباد

حیدرآباد و صورت بزرگ میان دو کن است و تمام
 مملکت نظام الملک را بر حیدرآباد و میگویند و تمام
 ۱۶ و ۱۷ در عرض بلد شمالی واقع است جاب
 شمال تا کو و آوری جانب جنوب دریای کرستند
 جانب شرق گند و اما جانب غرب در واکر آباد
 طول تجتیا ۱۰ و ۱۵ میل عرض وایکلیت و در ک
 قدیم ملک تلگان است که در آئین اکبری آرا
 حد به راز میگوید لیکن غالب است که در زمان
 اگر فقط یکت و آن تصرف سلطنت در آمد و باشد
 وسط روی این ملک که بی درین مایهوار لیکن
 کوها القدر هر جمع و بر رکیتند اربن باعث
 سب مقامات و مکروسن بلد انجاسر ماراده

میشود و بعد انتقال عالم کبر

نظام الملک ملک کنج را بتصرف خود و آورده

و تاریخ ثبت و چهارم ماه راج

انتقال نمود و میگویند که بین یکصد و چهار سالگی
 رسید و دو و سس پیر خود را که است عاری

سده هجری

سده عیسوی

۱۶ ۱۶

۱۶ ۱۶

۱۶ ۱۶

با صلاح غیر مستطیع که متعلق ملک نظام علیا است
و جانب شرقی ماسرگود و سهیل پور و کشمیر
کو و پانی او و جانب شمال و غرب حدود و سوا
ظاهر و جانب جنوب و شرقی ارو و بی ساست
سکونی دریافت رسیده

آب و هوای این ملک بهایت مختلف که صبحها
روشن و گرمتر میشود و اگر چه تار میخ هم ماحد مرل
ناکیور جانب شرقی و مدو شد لیکن در مقامات
سیار و قلع وقت شب در ماههای یار و پنج
سته میشود و موسم سرما مار و مسو تا ضروری
وار ضروری موسم خوشکوار و از مارح کرم و
پیشیل و حتی و حیوان ماهیانی موسم جارا اگر چه
ماران اگر در ماه حیوان مبار و لیکن موسم ماهم
کرم میاید و از حیوانی ناستمرا ایم بر نشات
و لکه کو بر اکثر کرم میاسته رال و طوفان اگر نصا
پیدا و ناهوشیها و عوازش اکثر مردم لاحق
میاسته و الحال مردم مملکت تقریباً ۳۳۰
میتود

گواهی

از یکدیگر به وقت ضرورت شو و ازین باعث
آرام و سکون میاتند

حاکم وقت نواب آصف شاه نظر الملک
ناظم الملک میر وحید علیخان بهادر فتح حاکم

ناک پور

ملکت راجه مانگپور ناحیه عرض بلد ۱۰۰ م و ۲۰ م
شمال و طول بلد ترقی ۲۰ م و ۲۰ م و ۲۰ م و ۲۰ م
در واقع است طول از شمال تا جنوب ۱۰۰ م
میل عرض از شرق تا غرب قریب ۱۰۰ م
میل و تخمیناً عرض و طول از ۱۰۰ میل تا ۱۰۰ میل
و مجموع وسعت این ملک واقع حساب کریم
بلکه صاحب ۱۰۰۰ مربع میل و اراضی شمال
ماصلاح ساگر و در دامنه دو جانب در
داد دین گنگ که ملک مذکور را امر برادر علیحد
میباشد جانب جنوب و جنوب غربی تا جانب
غرب از گم سور که از گنگ نام است و تا حشمه و دریا
اندرونی از یک خط مسفر و من مسمی محدود و از انجا
ماریه جنوب تا گو و آوری حایه الحاق دریائی گو
منتهی است و جانب جنوب و جنوب شرقی

محاصره نمود و بعد سه ماه در ششصد عیسوی
 از سازش مردم قلعه را گرفت و در ششصد
 عیسوی مطابق سنه هجری راجه اثناسی یک
 شرط مفروضه اقرار داد که است قلعه را بر سر کار
 کبیری نمود و لیکن بر وقت ایضای عهد قلعه را بر سر
 اغوا می داد در حالی که در قلعه انکار نمود ازین
 کرمل و انت صاحب محاصره نمود و توپها را در
 تا اینکه تاج چهارم فوری محاصرین مجبور
 گشته که قلع را برادر و دیده برای دو اکتاف
 قلعه را صی سه و لیکن این صلح و نه شرط
 رای هر صاحب و صاحب کشته و کرمل
 و انت صاحب بود و لیکن بداران یک حبس
 تدبیری اهل قلعه را کشتن قیمت بعضی اسبا
 سامان قلعه را صی شدند و موج الحمله وقت
 تم و در پای قلعه را محاصره کرد و تاج
 پنجم ماه مذکور ششصد عیسوی مطابق سنه هجری
 خالی نمود و العربین بموجب عهد با مرشد عیسوی
 و تینکه گور در جبل سکا له تمامی ملک جنوب جبل را
 داد که است گویا را دست دولت را و سید
 افتاد و اما ششصد عیسوی با موج خود بهر جا

مورچین و کر راحه های گو الیار را اس اندای
 شده عسوی مطابق سه هجری صسط تحریر
 که بعد مجاهر و ممت قلعیه در کور در شش جبهه بی بار
 دست اهل اسلام نه و عاقبت است که حکام سه
 مارا اهل اسلام کرده ماسته چرا که سلطه سلطان
 التماس در شش عسوی کرده و در و در شش
 عیسوی ابراهیم عادل ساد و دوی تها جهان
 بعد حکومت یکصد سال سه و مار گو الیار را می
 کرده که قه نو و بعد از آن معلوم متیو و که قلعیه را
 جانوں کر قه ماسته ریرا که در شش عسوی
 که طرف تها نو و دست تها در افعال حواله
 پس تها و ابراهیم غیر مکمل التسمیه معلوم متیو و که اکثر
 تله بچیان دست مردم افتاده است و بعد
 سلطت معلیه گو الیار را رامای گو هر گشت
 که او هم حاکمی جدید بوده و وار و بجز تها به رسید
 و در شش عیسوی میجر نایم صاحب از سیاهان
 رساله خود سب که استن نرو مانها گرفت
 و مارا رامای گو به رسید و چون به رسید و میان
 خود مستقر نماید این ماعت از سر کار در مارا
 اعانت و ادا دت ما و هو جی سید میان تها

و بهشت گمان و حلاسه و گهائی اطراف
 دارالامارت قریب شکل صبی است طولش
 از شمال تا جنوب تقریباً ۱۲ میل و وسیل
 در عرض و مجموع دورش ۵۰ میل بسیار
 کوههای مرتفع حاش جنوب محیطش واقع
 و فصول مثل ملک عربی سرد و ستان و در سنا
 قدری پیشتر از موسم شروع میشود و دامن
 اکثر با تمام میرسد و مردم در مالارقت کوهها
 مسان حد ساعت با اختلاف در هر حرارت
 میکند و اگر سه چهار روز را در دزد یعنی (در تمام)
 کوکوثی تا خیر و سه صحرارت نکاله داخل رشتا
 ملک روسیه میشود پس آب بسیار تحفه در
 ملک میشود و خصوصاً پس سابق این پس در
 ملک او و در همین جا میرفت لیکن لریجه و
 اندولایت میرسد و طلا که طرف نکاله این
 ملک مرود درین ملک پیدا میشود ولیکن قلیل
 از شهرهای کوچک میرسد و طلا که مابل میا
 میرسد از قوت معا و صدها حساس میباشد و سکه
 در رائج الوقت خیال نیست آری در هم
 و یک سکه چنان که حکم رائج الوقت است

سرکردان ماحه و سام او حین دارالامارت
 خود را و اکده است و پس از انقضای مدت
 قلیلی ریاست کو ایلار را از اولاد و تنجی
 دست خود آورد و ملت کو چیا و لی خود را بها
 جانب جنوب قدری و در تر از قلع مقرر نمود
 و یار گاهی در مارتش از اینجا موقوف شد
 سواهی آنکه برای نیرت بعید خود برو و دو مک
 شهر حدیده مهتر از شهر قدیم سب او شاگردید
 بعد مہاراجه دولت را و سینه بیابانی
 هیکو را و چیا جی را و حاکم حال

ریاست ملک نیپال

در مملکت سرر که مہد و سمان ریاست نیپال
 هم داخل و بالفعل تقریباً سمارتی از شمال
 مہندوستان شانقل و ملکها که متعلق باین ریاست
 است مابین ۲۷ و ۳۰ درجه عرض بلد سالی
 و طول در شمال تری تا جنوب عرضی تقریباً
 ۷۰ میل و ۷۰۰ اصل در عرض شهرهای خاص
 کث ما در کوه و دارالامارت است و کو که و نیام

و اما شمال از کثرت و اضلاع منظر آما و وحاش جنوب
 تا دهبان آما و واحمر و ملتان و ارجات شرق
 در یابی سنج بسیار بی اضلاع همد وستان
 شمالی و محاسبه غوب در یابی ایک و چشاور
 که افغانستان محمد و داست طوبی تقریباً
 ۳۲۰ عرض ۲۲۰ میل و موافق تحقیق او الفصل
 این حدود داخل اقلیم دوم و بسیار آما و سکول
 و بهات صحت مراجع میانه و سب دیگر مقامات
 همد وستانی سرمای شده می شود و اگر چه است
 ایران و اما کمتر است بحار که بهای شمالی
 آما و تمام سال میگردند آب مثل عراق
 و عرب و اگر چه از استساق رملهای دریا قزو
 و مس و قلعی و سرخ و سرب یافته میشود و صوت
 هیچ ماه و آب وارد و در ۲۳۳ مرکه منقسم و درین
 مقامی ۳۳۶ و ۱۵۰۰ و ۱۶۰۰ یکبار میشود و آما و
 ۲۳۳ و ۱۵۰۰ و ۱۶۰۰ و ۱۷۰۰ و ۱۸۰۰ و ۱۹۰۰ و ۲۰۰۰
 کثرت محصول اکثر مقامات مدقت میشود و در
 تحصیل طاس حاکم محمود و ستور العمل صنف
 حاصلات را جمعی گیر و در رعیت و در رعیت
 بر دانه میشود و در صوت و در صوت و در صوت

که دو عهد و پیمان داران را از یک سکک مکتوب
و ششصد و بیست و هشتاد و پنج سکه
راجا عمرن که یکی از حکام ملک او ده قوم
سورج بمی ملک چال را گرفت و نایبش
مطابق سه سکه چال ریاست ما و لا دست
فاطمه مادنا ایک بر تنی ما را من راجه گور که ریاست
سورج که را ما حتام رساید و رجب بل
هشت کاگت قنار سل سورج می باید نایب
عهد ما که ده و دو مایں چال که از محالفت
راجا کت ما و شو را محطو بدار و لیکن سب
همین ساز و موافقت ریاست ما تمام رسیده
و بخت بل با ده و سه بار س کوشت و ما
مرو و یک سیرش بدل شک ما تمام و از و قسکه
راجا که س خد و کرام ساه به سن رسالکی و
ششصد و بیست و هشتاد و پنج سکه چال
محمود اشتهام ریاست بهیم شک با ده و سه

لاہور

۱۰۴
سوی و چو عرض مله تمامی باسی و چهارم مسط است

سرتر استند و ریتن کدازید و بعد تسلط
 بل اسلام که در میان او رنگ رب عالمگیر
 کردید من شخص از لاهور مدینه و میکوید که
 در ششصد و سی مطایق سند هجری میان
 و کهن مردیس قوم سیکه گرد و ما یک را
 بانی سانی مذہب و ملت خود میدانند
 و ما بن با سانی که در هند و سماں بعد اورنگ
 در ششصد و سی مطایق سند هجری و داد
 سیکہاں قوت که فتند و ملک را از انوی
 سد اراکی تحت و ما راج سیکه دید آخر سکے
 از حکام سلب اور اگر قرار کرد و کست
 بعد از ان قوم سیکه سام می ندانی
 ما مدد و بعد مردس در ششصد و سی مطایق
 سند هجری و ما در آمدن ما در سنه حقیقیه
 اہم امیں بود و کہ حساب ما در سی را
 بعد از سی سر مدد و بعد از سر کہ ما در سی را
 قوم اتناں میان لاهور کردید و در اندی
 احمد شاہ ابدالی ششصد و سی اہم بالک
 و واقع را دی و جلدر کردید و در ششصد
 و سی و ششصد و سی اہم اگر اہل اسلام

میان این قوم بسیار ناقص و سلب
 عمر معظم هر چند که در کتب آنها و سوره العمل
 عدل و انصاف و محلی مدبر است لکن
 مثل اصول نیر لیس بجای آرد و سکه
 این صوره سیکه و شنگه و حاث و راجوت
 و دیگر بنود در دل و اهل اسلام سیکه لفظ
 سیکه معنی شاگرد و با و است که نامگاه
 مالی قوم سیکه بوده و در صریح تلو مایه
 صلیع هندی صوره لایور ۱۳۶۹ عیسوی مطابق
 سده هجری موند گردید و در کر هندی یور دهن
 که در دیاسی راوی مرو بعد از آن کور و انگه
 که که کتاب کتاب امان خود را بصط تحریر
 در آورده و در ۱۵۰۲ عیسوی مطابق سده هجری
 مرو مایه به ایت دهنم گرد و گوید سیر
 رخ بها و رسید و این مردار مجموع
 سلطنت سیکه و اسطام جدید و اسطام
 حاجت آنها را یک کرده و ساسیان
 خوانند و نام آنها را عدل سیکه موند معنی
 سرد و سابق ازین قوم راجوت بر
 مانن لقب گفته اند پس او حکم داد که موی

۴۱۵ وار کپتو ۴۳۵ وار بی ۴۱۵ وار کلکتہ

۱۳۵۶

بعد تحب سکه

بکرگ شمسکه

و نوبتال سکه اگر ریاست مایو برسد

اعداد ان

سرنگ و اعداد چون رری و حوالی

حال که در ریاست او تها رو واد

ولی سکه حاکم یاست است



1969

واحد ساه ادا لی نریت خورده لیکن بعدتر
 بموارده حور را بریاید ستمه ناینگه ملک
 دریاست حال بنصرت او نشان در آمد
 دارالامارت لاهور جانب جنوب دریای
 راوی واقع است عرض مد شمالی آن ۳۰
 طول مد شرقی ۳۰ و عرض دریای
 ۳۰ در مد القدر عمق در دریا
 لیکن در موجم رسات الستمه و طلع آن قد
 مستحکم غیب و ما و ساه اکثر دارالامارت
 ساه که دو ما بعد او آید او سبع کرد امید که
 بالقل در آن سکونت حاکم حال است
 و اول سلطان مار در شش پندویس
 مطابق سده بحری لاهور را که در
 ماحد روز ریاست محلیه مایه اجارا
 انقلاب ساری رود و ده و سده
 احمد شاه انا الی ما و سیه تکامل بهم مایه
 و اکنون اردب سست سال تصرف
 مسکه در آن است که دارالامارت
 اوسان بالقل عنتر سرتاب بعد مسات
 از شاه جهان آما و ۸۰ میل و اگر آما